

WWW.MEDIALIB.IR

کتابخانه رسانه ایرانیان



بسم الله الرحمن الرحيم

جزء بیست و هفتم

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾

(ابراهیم) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟»

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده‌ایم...»

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ﴿۳۳﴾

تا بارانی از «سنگ - گِل» بر آنها بفرستیم؛

مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿۳۴﴾

سنگهایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذاشته شده است!

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾

ما مؤمنانی را که در آن شهرها (ی قوم لوط) زندگی می کردند (قبل از نزول عذاب)
خارج کردیم،

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾

ولی جزیک خانواده باایمان در تمام آنها نیافتیم!

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾

و در آن (شهرهای بلا دیده) نشانه‌ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می‌ترسند به جای گذاردیم.

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

و در (زندگی) موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به
سوی فرعون فرستادیم؛

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾

اما او با تمام وجودش از وی روی برتافت و گفت: «این مرد یا ساحر است یا دیوانه!»

فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾

از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش بود!

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾

و (همچنین) در سرگذشت «عاد» (آیتی است) در آن هنگام که تندبادی بی باران بر آنها فرستادیم،

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾

که بر هیچ چیز نمی گذشت مگر اینکه آن را همچون استخوانهای پوسیده می ساخت.

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾

و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدتی کوتاه بهره‌مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!»

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ
يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾

آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره
خیره) نگاه می کردند (بی آنکه قدرت دفاع داشته باشند)!

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُتَّصِرِينَ ﴿٤٥﴾

چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند!

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾

همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاک کردیم، چرا که قوم فاسقی بودند!

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾

و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می بخشیم!

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿٤٨﴾

و زمین را گسترديم، و چه خوب گستراننده‌ای هستيم!

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾

و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید!

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾

پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما بیم دهنده‌ای آشکارم!

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ
مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم دهنده‌ای آشکارم!

كَذٰلِكَ مَا اَتٰی الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا قَالُوْا
سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ ﴿۵۲﴾

این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!»

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٥٣﴾

آیا یکدیگر را به آن سفارش می کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)؟! نه، بلکه آنها قومی طغیانگرند.

فَقَوْلٌ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٤﴾

حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خور ملامت نخواهی بود؛

وَذِكْرُ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۵﴾

و پیوسته تذکرده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می بخشد.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾

من جنّ و انس را نیا فریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)!

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿٥٧﴾

هرگز از آنها روزی نمی خواهم، و نمی خواهم مرا اطعام کنند!

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾

خداوند روزی دهنده و صاحب قوّت و قدرت است!

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا
يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥٩﴾

و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است
همانند سهم یارانیشان (از اقوام ستمگر پیشین)؛ بنابراین
عجله نکنند!

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آنها وعده داده می شود!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الطُّور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالطُّورِ ﴿١﴾

سوگند به کوه طور

وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ﴿٢﴾

و کتابی که نوشته شده،

فِي رَقِّ مَنَشُورٍ ﴿٣﴾

در صفحه‌ای گسترده،

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾

و سوگند به «بیت المعمور»،

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾

و سقف برافراشته،

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾

و دریای مملو و برافروخته،

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾

که عذاب پروردگارت واقع می شود،

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾

و چیزی از آن مانع نخواهد بود!

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾

(این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان به شدت به حرکت درمی آید،

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾

و کوهها از جا کنده و متحرک می شوند!

فَوَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان،

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾

همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند!

يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاءً ﴿١٣﴾

در آن روز که آنها را بزور به سوی آتش دوزخ می‌رانند!

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾

(به آنها می‌گویند:) این همان آتشی است که آن را انکار می‌کردید.

أَفِسَحَرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾

آیا این سحر است یا شما نمی بینید؟!

اَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا
تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

در آن وارد شوید و بسوزید؛ می خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ چرا
که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید!

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾

ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند،

فَاَكْهِنَ بِمَا آتَاهُمُ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ

الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾

و از آنچه پروردگارشان به آنها داده و آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است شاد و
مسرورند!

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

(به آنها گفته می شود:) بخورید و بیاشامید گوارا؛ اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید!

مُتَكِّئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾

این در حالی که برتختهای صف کشیده در کنار هم تکیه می زنند، و «حور العین» را به همسری آنها درمی آوریم!

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ
 ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ
 بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾

کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان آوردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم؛ و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است!

وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾

و همواره از انواع میوه‌ها و گوشتها - از هر نوع که بخواهند - در اختیارشان می‌گذاریم!

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيُمُ ﴿٢٣﴾

آنها در بهشت جامهای پر از شراب طهور را که نه بیهوده‌گویی در آن است و نه گناه،
از یکدیگر می‌گیرند!

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾

و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می کنند که همچون
مرواریدهای درون صدفند!

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾

در این هنگام رو به یکدیگر کرده (از گذشته) سؤال می نمایند؛

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾

می‌گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)!

فَمَنْ لِلَّهِ عَلَيْنَا وَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

اما خداوند بر ما منت نهاد و از عذاب کشنده ما را حفظ کرد!

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾

ما از پیش او را می خواندیم (و می پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان!

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾

پس تذکرده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی!

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ﴿٣٠﴾

بلکه آنها می گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را می کشیم!»

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

بگو: «انتظار بکشید که من هم با (شما انتظار می کشم شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی)!»

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾

آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور می دهد، یا قومی طغیانگرند؟

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾

یا می‌گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»، ولی آنان ایمان ندارند.

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾

اگر راست می گویند سخنی همانند آن بیاورند!

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾

یا آنها بی هیچ آفریده شده‌اند، یا خود خالق خویشند؟!

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾

آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند!

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُسَيْطِرُونَ ﴿٣٧﴾

آیا خزاین پروردگارت نزد آنهاست؟! یا بر همه چیز عالم سیطره دارند؟!!

أَمْرٌ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ
بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٣١﴾

آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می روند) و بوسیله آن اسرار وحی را می شنوند؟!
کسی که از آنها این ادعا را دارد دلیل روشنی بیاورد!

أَمْرٌ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾

آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران (که فرشتگان را دختران خدا می نامید)؟!

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرِمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

آیا تو از آنها پاداشی می‌طلبی که در زیر بار گران آن قرار دارند؟!

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾

آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می نویسند؟!

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾

آیا می خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این
نقشه ها گرفتار می شوند!

أَمْرُ لَهُمْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾

یا معبودی غیر خداوند دارند (که قول یاری به آنها داده)؟! منزّه است خدا از آنچه
همتای او قرار می دهند!

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿٤٤﴾

آنها (چنان لجوجند که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می کند می گویند: «این ابرمتراکمی است!»

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾

حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند؛

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٦﴾

روزی که نقشه‌های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری
نمی‌شوند!

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان)؛ ولی بیشترشان نمی دانند!

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾

در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار
داری! و هنگامی که برمی خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی!

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

(همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)!

سوره نجم

سوره مبارکه نجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾

سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند،

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى ﴿٢﴾

که هرگز دوست شما [= رسول خدا] گمراه نشده و منحرف نگردیده است،

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى ﴿٤﴾

آنچه می گوید چیزی جز وحی (الهی) که بر او القا شده نیست.

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ﴿٥﴾

آن کس که قدرت عظیمی دارد [= جبرئیل امین] او را تعلیم داده است

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ﴿٦﴾

همان کس که توانایی فوق العاده دارد؛ آنگاه او [= پیامبر] به حدّ کمال رسید،

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ﴿٧﴾

در حالی که در افق اعلی بود.

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ﴿٨﴾

سپس نزدیک و نزدیکتر شد،

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ﴿٩﴾

تا آن که فاصله او (با جبرئیل) به اندازه فاصله دو قوس کمان یا کمتر بود؛

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾

در این جا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود.

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ﴿١١﴾

قلب (پاک او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت.

أَفْتُمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى ﴿١٢﴾

آیا با او درباره آنچه (با چشم خود در معراج) دیده مجادله می کنید؟!

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى ﴿١٣﴾

و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد،

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ﴿١٤﴾

نزد «سدرۃ المنتهى»،

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ﴿١٥﴾

که «بهشت جاویدان» در آن جاست.

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى ﴿١٦﴾

در آن هنگام که چیزی [= نور خیره کننده ای] سدره المنتهی را پوشانده بود،

ما زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى ﴿١٧﴾

چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیت بود)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ﴿١٨﴾

به یقین او بزرگترین نشانه های پروردگارش را (در آن سفر آسمانی) دید.

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿١٩﴾

به من خبر دهید آیا بتهای «لات» و «عزّی»،

وَمَنَاةُ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى ﴿٢٠﴾

و «منات» که سؤمین آنهاست (دختران خدا هستند)؟!

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنْثَىٰ ﴿٢١﴾

آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! (در حالی که به زعم شما دختران کم ارزش
ترند!)

تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَى ﴿٢٢﴾

در این صورت این تقسیمى ناعادلانه است.

إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَما تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ
لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى ﴿٢٣﴾

اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته اید (نامهایی بی محتوا و اسمهایی بی مسمّا)، و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمانهای بی اساس و هوای نفس پیروی می کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است.

أَمْرٌ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى ﴿٢٤﴾

آیا آنچه انسان تمنا دارد به آن می رسد؟!

فِیْلِهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ﴿۲۵﴾

در حالی که آخرت و دنیا از آن خداست (و بدون اراده او کسی به چیزی نمی رسد).

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا
مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴿٢٦﴾

و چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمی بخشد مگر پس از آن که
خدا برای هرکس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً
الْأُنْثَى ﴿٢٧﴾

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختران (خدا) نامگذاری می کنند.

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا
يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً ﴿٢٨﴾

آنها هرگز در این باره دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می کنند با این که
«گمان» هرگز (انسان را) از حق بی نیاز نمی کند.

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾

حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی گردانده و جز زندگی دنیا را نخواسته،
اعراض کن.

ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ
سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى ﴿۳۰﴾

این آخرین حدّ آگاهی آنهاست؛ پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند بهتر می شناسد، و (همچنین) هدایت یافتگان را از همه بهتر می شناسد.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا
بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ﴿٣١﴾

و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهایشان
برساند و نیکوکاران را در برابر اعمالشان پاداش دهد.

الَّذِينَ يَحْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ
رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ
الْأَرْضِ

همان کسانی که از گناهان کبیره و اعمال زشت دوری می کنند، جز گناهان صغیره (که
گاه آلوده آن می شوند)؛ (و بدان که) آمرزش پروردگار تو گسترده است؛ او نسبت به
شما از همه آگاهتر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید.

وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَاءٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا
أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ﴿٣٢﴾

و در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید؛ پس خودستایی نکنید،
او پرهیزگاران را بهتر می شناسد.

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ﴿۳۳﴾

آیا دیدی آن کس را که (از حق) روی گردان شد؟!

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ﴿۳۴﴾

و کمی عطا کرد، و امساک نمود! (و گناهش را به گردن دیگری افکند)

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَى ﴿٣٥﴾

آیا نزد او علم غیب است و می بیند (که دیگران می توانند گناهان او را بردوش گیرند)؟!

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ﴿٣٦﴾

آیا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟!

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ﴿٣٧﴾

و (نیز از آنچه در کتب) ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد...

أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ﴿٣٨﴾

که هیچ گنهکاری بارِ گناه دیگری را بردوش نمی گیرد،

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾

و این که برای انسان چیزی جز (حاصل) سعی و کوشش او نیست،

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ﴿٤٠﴾

و این که تلاش او بزودی دیده می شود،

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى ﴿٤١﴾

سپس به او جزای کامل داده خواهد شد.

وَأَنۡ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنۡتَهٰی ﴿٤٢﴾

و (آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) اینکه همه امور به پروردگارت منتهی می گردد؟!

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿٤٣﴾

و این که اوست که خنداند و گریاند،

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

و اوست که میراند و زنده کرد،

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾

و اوست که دو زوج نرو ماده را آفرید،

مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ﴿٤٦﴾

از نطفه ناچیزی در آن هنگام که (در رحم) ریخته می شود،

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأُ الْأُخْرَى ﴿٤٧﴾

و این که بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد)،

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ﴿٤٨﴾

و این که اوست که بی نیاز کرد و سرمایه باقی بخشید،

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعَرِ ﴿٤٩﴾

و این که اوست پروردگار ستاره (بزرگ و درخشنده) «شعری»!

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى ﴿٥٠﴾

(و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) اینکه خداوند قوم «عاد نخستین» را (به کیفر اعمالشان) هلاک کرد؟

وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَى ﴿۵۱﴾

و همچنین قوم «ثمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد!



وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى ﴿٥٢﴾

و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالم تر و طغیانگرتر بودند!

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى ﴿۵۳﴾

و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را فرو کوبید،

فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى ﴿٥٤﴾

سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید!

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى ﴿۵۵﴾

(بگو:) در کدام یک از نعمتهای پروردگارت می توانی تردید کنی؟!)

هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى ﴿٥٦﴾

این (پیامبر) بیم دهنده ای از (زمره) بیم دهندگان پیشین است.

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ ﴿٥٧﴾

آنچه باید نزدیک شود، نزدیک شده است (و قیامت فرا می رسد)،

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾

و هیچ کس جز خدا نمی تواند سختیهای آن را برطرف سازد.

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾

آیا از این سخن تعجب می کنید،

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾

و می خندید و نمی گریید،

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ﴿٦١﴾

و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سرمی برید؟!

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾

پس (بیدار شوید و همه) برای خدا سجده کنید و او را پرستید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه قمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت!

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾

و هرگاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی برمی گردانند و می گویند: «این سحری
همیشگی است».

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ ﴿٣﴾

آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند؛ و هر امری سرانجامی دارد (و حق عاقبت آشکار خواهد شد).

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾

به اندازه کافی برای بازداشتن از بدیها اخبار (و سرگذشت امتهای پیشین) به آنان رسیده است.

حِكْمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِ النَّذْرُ ﴿٥﴾

(این آیات،) حکمت بالغه (و رسای الهی) است؛ اما انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی دهد.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُّكْرٍ ﴿٦﴾

بنابراین از آنها روی بگردان. و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی (مردم را) به امر (وحشتناک و) ناخوشایندی [= حساب اعمال] دعوت می کند!

خُشِعَا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ
جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾

آنان در حالی که چشمهایشان از شدت وحشت به زیرافتاده، همچون ملخهایی که
به هرسو پراکنده می شوند از قبرها بیرون می آیند،

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾

در حالی که به سوی این دعوت کننده الهی گردن می کشند؛ کافران می گویند: «امروز روز سخت (و دردناکی) است!»

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا
مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾

پیش از آنها قوم نوح (پیامبرشان را) تکذیب کردند، (آری) بنده ما را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است.» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد.

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ﴿١٠﴾

او به پیشگاه پروردگار عرضه داشت: «من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده ام، پس
(مرا) یاری کن!»



فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ﴿١١﴾

در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و بوقفه گشودیم؛

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

(۱۲)

و زمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب برای هدفی که
مقدر شده بود درآمیختند (و دریای وحشتناکی تشکیل شد)!



وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَّاجِ وَدُسِّرِ ﴿١٣﴾

و او را بر (کشتی) ساخته شده از الواج و میخها سوار کردیم؛

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءٌ لِّمَن كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾

(آن کشتی) تحت مراقبت ما حرکت می کرد. این پاداشی بود برای کسانی که (از سوی دشمنان) مورد انکار قرار گرفته بودند.

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٥﴾

ما این ماجرا را بعنوان نشانه ای در میان امتهای باقی گذاردیم؛ آیا کسی هست که پند
گیرد؟!

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿١٦﴾

(اکنون بنگرید) عذاب و اندازهای من چگونه بود!



وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ ﴿١٧﴾

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟!

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿١٨﴾

قوم عاد (نیز پیامبر خود را) تکذیب کردند؛ پس (ببینید) عذاب و اندازهای من چگونه بود!

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصَراً فِي يَوْمٍ نَخْسِ
مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

ما تندباد وحشتناک و سردی را در روزی شوم مستمر بر آنان فرستادیم،

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

که مردم را همچون تنه های نخل ریشه کن شده از جا برمی کند!

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي ﴿٢١﴾

پس (ببینید) عذاب و اندازهای من چگونه بود!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ ﴿٢٢﴾

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾

طایفه ثمود (نیز) اندازهای الهی را تکذیب کردند،

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ

سُعْرٍ ﴿٢٤﴾

و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود.

أَلْقَى الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشِرٌ ﴿٢٥﴾

آیا از میان ما تنها براو وحی نازل شده؟! نه، او دروغگوی هوسبازی است.»



سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِّنَ الْكَذَّابِ الْأَثَرُ ﴿٢٦﴾

ولی فردا می فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است!

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

(به صالح گفتیم:) ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می فرستیم؛ در انتظار پایان کار آنان
باش و صبر کن!

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿٢٨﴾

و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یک روز سهم ناقه، و یک روز برای آنها) و هریک برای سهم خود باید حاضر شوند.

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾

(ولی سرانجام) یکی از یاران خود را (برای از بین بردن ناقه) صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد.

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿٣٠﴾

پس (بنگرید) عذاب و اندازهای من چگونه بود!

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ
الْمُحْتَظِرِ ﴿٣١﴾

ما فقط یک صیحه (آسمانی) بر آنها فرستادیم و به دنبال آن همگی بصورت گیاهان
خشک که برای خوراک چهارپایان آماده می کنند درآمدند



وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ ﴿٣٢﴾

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟!

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿٣٣﴾

قوم لوط انذارها (ی پی در پی پیامبرشان) را تکذیب کردند;

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ
بِسَحْرِ (۲۴)

ما بر آنها طوفانی از شن فرستادیم (و همه را هلاک کرد)، جز خاندان لوط که
سحرگاهان نجاتشان دادیم.

نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٣٥﴾

این نعمتی بود از ناحیه ما؛ این گونه هر کسی را که شکر کند پاداش می دهیم.

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴿٣٦﴾

او آنها را از مجازات ما بیم داد، ولی آنها اصرار بر مجادله و القای شک در برابر انذارهای الهی داشتند.

وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا
عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٣٧﴾

آنها از او خواستند میهمانانش را در اختیارشان بگذارد؛ ولی ما چشمانشان را نابینا کردیم (و گفتیم:) بچشید عذاب و اندازهای مرا!

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾

سرانجام صبحگاهان و در اول روز عذابی طولانی به سراغشان آمد.

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٣٩﴾

(و گفتیم:) پس بچشید عذاب و اندازهای مرا!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٤٠﴾

ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟!

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾

و (همچنین) انذارها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ فرعونیان آمد،



كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخَذَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ ﴿٤٢﴾

اما آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم و مجازات کردیم، گرفتن
قدرتمندی توانا!

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي
الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾

آیا کافران شما بهتر از آنانند یا برای شما امان نامه ای در کتب آسمانی نازل شده
است؟!

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ ﴿٤٤﴾

یا می گویند: «ماجماعتی متحد و پیروزیم»؟!

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾

(اَمّا) بزودی جمعشان شکست می خورد و پا به فرار می گذارند!

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْيٌ وَأَمْرٌ ﴿٤٦﴾

(علاوه بر این) رستاخیز موعده آنهاست، و مجازات قیامت هولناکتر و تلخ تر است!

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾

مجرمان در گمراهی و شعله های آتشند،

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ
سَقَرَ ﴿٤٨﴾

در آن روز که به صورت در آتش دوزخ کشیده می شوند (و به آنها گفته می شود):
بچشید عذاب دوزخ را!

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾

به یقین ما هر چیز را به اندازه آفریدیم.

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾

و فرمان ما یک امر بیش نیست، همچون یک چشم برهم زدن.

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٥١﴾

ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاک کردیم؛ آیا کسی هست که پند
گیرد؟!

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾

و هر کاری را انجام دادند در نامه های اعمالشان ثبت است،

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَظَرٌّ ﴿٥٣﴾

و هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده است.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾

به یقین پرهیزگاران در باغها و نهادهای بهشتی جای دارند،

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾

در جایگاه صدق نزد خداوند حاکم مقتدر.

سورة

سوره مبارکه الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

الرَّحْمَنُ ﴿۱﴾

خداوند رحمان،

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾

قرآن را تعلیم فرمود،

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾

انسان را آفرید،

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾

و به او سخن گفتن آموخت.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾

خورشید و ماه با حساب دقیقی در گردشند،

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾

و گیاهان و درختان برای خدا سجده می کنند.

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾

و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون نهاد،

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾

تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)،

وَأَقِمْوَا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾

و وزن را براساس عدل برپا دارید و در سنجش کاستی نکنید.

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿۱۰﴾

و زمین را برای مردم آفرید،

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾

که در آن میوه ها و نخلهای پرشکوفه است،

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾

و دانه هایی که همراه با ساقه و برگ است که بصورت کاه (و خوراک حیوانات) در می آید، و گیاهان خوشبو.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾

پس (ای گروه جن و انس) کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾

انسان را از گِلِ خشکیده ای همچون سفال آفرید،

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ﴿١٥﴾

و جن را از شعله های آتش خلق کرد.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟!



رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾

او پروردگارِ دو مشرق و دو مغرب است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾

دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد،
در حالی که با هم تماس دارند.

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾

در میان آن دو مانعی است که یکی بردیگری غلبه نمی کند (و به هم نمی آمیزند).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾

از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می شود.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٢٤﴾

و برای او (و از ناحیه او) است کشتیهای کوه پیکر ساخته شده که در دریا به حرکت در می آیند!

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾

همه کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می شوند،

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾

و تنها ذات صاحب جلال و گرامی
پروردگارت باقی می ماند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي
شَأْنٍ ﴿٢٩﴾

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می کنند،
و او هر روز در شأن و کاری است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾

ای دو گروه انس و جن! بزودی به (حساب) شما می پردازیم!

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ
أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا
بِإِطَاعِ

بِسُلْطَانٍ ﴿٣٣﴾

ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید،
ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ
وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾

(در قیامت) شعله هایی از آتش، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می شود؛ و نمی توانید از کسی یاری بطلبید.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾

در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾

در آن روز هیچ کس از انس و جن از گناهش سؤال نمی شود (و همه چیز روشن است).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ
بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند؛ و موهای پیش سر، و پاهایشان را می گیرند (و به دوزخ می افکنند).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾

این همان دوزخی است که مجرمان
آن را انکار می کردند.

يُطَوِّفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ ﴿٤٤﴾

اکنون در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٤٦﴾

و برای کسی که از مقام پروردگارش خائف است، دو باغ بهشتی است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿۴۸﴾

(آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها (و درختان پرطراوت) است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾

در آنها دو چشمه همیشه جاری است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥١﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾

در آن دو، از هر میوه ای دو نوع
وجود دارد (هریک از دیگری بهتر).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

مُتَكِّئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾

این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده اند با آسترهایی از دیبا و ابریشم،
و میوه های رسیده آن دو باغ بهشتی نزدیک (و در دسترس) است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۵﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا
جَانٌّ ﴿٥٦﴾

در آن باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمیورزند؛ و هیچ
انس و جنّی پیش از ایشان با آنان تماس نداشته است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾

آنها همچون یاقوت و مرجانند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦٠﴾

آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾

و پایین تر از آنها، دو باغ بهشتی (دیگر) است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

مُدْهَامَّتَانِ ﴿۶۴﴾

هر دو خرم و سرسبزند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾

در آنها دو چشمه جوشنده است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾

در آنها میوه های فراوان و درخت
خرما و انار است.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾

و در آن باغهای بهشتی زنانی
نیکوخلق و زیبايند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾

حوریانی که در خیمه های بهشتی مستورند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾

هیچ انس و جنّی پیش از ایشان
با آنها تماس نداشته است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرَ وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾

این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی سبزرنگ بسیار ممتاز و زیبا تکیه زده اند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۷﴾

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان
را انکار می کنید؟!

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

پربرکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو.

سورہ مبارکہ

سورہ مبارکہ واقعہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود،

لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾

هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند.

خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ﴿٣﴾

این واقعه) گروهی را پایین می آورد
و گروهی را بالا می برد.

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٤﴾

در آن هنگام که زمین بشدت به لرزه درمی آید،

وَبُئِتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾

و کوهها درهم کوبیده می شود،

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبِتًا ﴿٦﴾

و بصورت غبار پراکنده درمی آید،

وَكَنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾

و شما (در آن زمان) سه گروه خواهید بود.

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾

(نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند) ; چه سعادتمندان و خجستگانی!

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾

و (گروه دیگر) شقاوتمندان و شومانند،
چه شقاوتمندان و شومانی!

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند،

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾

آنها مقربانند.

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾

در باغهای پر نعمت بهشت (جای دارند).

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

گروه زیادی (از آنها) از امتهای نخستین اند،

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾

واندکی از اَمتهای آخرین.

عَلَى سُرِّ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾

(مقربان) برتختهایی که در صفوف مختلف در کنار هم چیده شده قرار دارند،

مُتَكِّئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿١٦﴾

در حالی که بر آنها تکیه زده
و رو به روی یکدیگرند.

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾

نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت)
پیوسته برگرد آنان می گردند،

بِأَنْغَابٍ وَأَبَارِقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿١٨﴾

باقدحها و کوزه ها و جامهائی
لبریز از شراب طهور.

لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿١٩﴾

شرابی که نه از آن در دسر
می گیرند و نه مست می شوند.

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾

و میوه هایی از هر نوع که انتخاب کنند،

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾

و گوشت پرنده از هرگونه که مایل باشند.

وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾

و همسرانی از حورالعین دارند،

كَأَمْثَالِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾

همچون مروارید (در صدف) پنهان.

جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾

اینها پاداشی است مطابق
اعمالی که انجام می دادند.

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٥﴾

در آنجا نه لغو و بیهوده ای می شنوند نه سخنان گناه آلود;

إِلَّا قِيلاً سَلَاماً سَلَاماً ﴿٢٦﴾

تنها سخنی که می شنوند
«سلام» است «سلام».

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾

و اصحاب یمین و خجستگان،
چه اصحاب یمین و خجستگانی!

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾

آنها در سایه درختان «سدر» بی خار قرار دارند،

وَطَلِحٍ مِّنْضُودٍ ﴿٢٩﴾

و در سایه درخت (خوش رنگ و پربرگ) «طلح»،

وَزَيْلٍ مَّمْدُودٍ ﴿۳۰﴾

و سایه ای گسترده،

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾

و در کنار آبشارها،

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾

و میوه های فراوان،

لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿۳۳﴾

که هرگز پایان نمی گیرد و ممنوع نمی شود،

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿۳۴﴾

و همسرانی والا مقام.

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ﴿٣٥﴾

ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم،

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً ﴿٣٦﴾

و همه را دوشیزه قرار دادیم،

عُرْبًا أَتْرَابًا ﴿۳۷﴾

زنانی که تنها به همسرشان عشق میورزند
(و خوش زبان و فصیح) و همسن و سالند.

لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾

اینها همه برای اصحاب یمین است،

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾

که گروهی از اَمتهای نخستینند،

وَتِلْكَ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾

و گروهی از اَمتهای آخرین.

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾

واصحاب شمال، چه اصحاب شمالی
(که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده شده)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾

آنها در میان بادهای گُشنده
و آب سوزان قرار دارند،

وَزَيْلٍ مِّنْ يَّحْمُومٍ ﴿٤٣﴾

و در سایه دودهای متراکم و آتش زا!

لا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾

سایه ای که نه خنک است و نه آرام بخش.

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾

آنها پیش از این (در عالم دنیا)
مست و مغرور نعمت بودند،

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾

و همواره بر گناهان بزرگ اصرار میورزیدند،

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا
وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾

و می گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!»

أَوَّابُونَ الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾

و آیا پدران نخستین ما (برانگیخته می شوند)؟!»

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾

بگو: «اولین و آخرین،

لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾

همگی در موعد روزی معین گردآوری می شوند،

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَنتُمُ الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾

سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده!

لَاٰكِلُوْنَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُوْمٍ ﴿۵۲﴾

به یقین از درخت (نفرت انگیز) زقوم می خورید،

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾

و شکمها را از آن پر می کنید،

فَشارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾

و روی آن از آب سوزان می نوشید،

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ ﴿٥٥﴾

و همچون شتران تشنه، از آن می آشامید.

هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾

این است وسیله پذیرایی از آنها در روز جزا!

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾

ما شما را آفریدیم؛ پس چرا
(آفرینش مجدد را) تصدیق نمی کنید؟!

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾

آیا از نطفه ای که (در رحم) می ریزید آگاهید؟!

أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾

آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش
(پی در پی) می دهید یا ما آفریدگاریم؟!

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ
وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾

ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی گیرد.

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ
وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾

تا شما را به صورت دیگری تبدیل کرده و در جهانی که نمی دانید آفرینشی (تازه)
بخشیم!

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى
فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

شما عالم نخستین را دانستید؛ پس چرا متذکر نمی شوید (که جهانی بعد از آن است)؟!

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾

آیا درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟!

أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾

آیا شما آن را می روینید یا ما می روینیم؟!

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا
فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾

اگر می خواستیم آن را مبدل به کاه در هم کوبیده می کردیم تا در تعجب فرو روید!

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾

(بگونه ای که می گفتید:)
براستی ما زیان کرده ایم،

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾

بلکه ما بکلی محروم شده ایم!

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾

آیا به آبی که می نوشید اندیشیده اید؟!

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ
أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ﴿٦٩﴾

آیا شما آن را از ابرنازل کرده اید
یا ما نازل می کنیم؟!

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾

اگر می خواستیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دادیم؛ پس چرا شکر نمی کنید؟!

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾

آیا درباره آتشی که می افروزید فکر کرده اید؟!

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا
أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ﴿٧٢﴾

آیا شما درخت آن را آفریده اید یا ما آفریده ایم؟!

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً
وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾

ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان) و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده ایم.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی (و او را پاک و منزّه بشمار).

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾

سوگند به جایگاه ستارگان
(و محل طلوع و غروب آنها)!

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعِلْمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید!

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾

که آن، قرآن پرارزشی است،

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾

که در کتاب محفوظی جای دارد،

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾

و جزایکان نمی توانند به آن دست زنند
(و دست یابند).

تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

آن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده؛

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهِبُونَ ﴿٨١﴾

آیا این سخن را [= این قرآن را با اوصافی که
گفته شد] سست و کوچک می شمیرید،

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ ﴿٨٢﴾

و به جای شکر روزیهای که به شما
داده شده (آن را) تکذیب می کنید؟!!

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿۸۳﴾

پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟!

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾

و شما در این حال نظاره می کنید
(و کاری از دستتان ساخته نیست)؛

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ
وَلَكِنْ لَا تَبْصُرُونَ ﴿٨٥﴾

و ما از شما به او نزدیکتریم ولی نمی بینید.

فَلَوْلَا إِنَّ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾

گر (با انتقال به سرای دیگر، هرگز در برابر اعمالتان) جزا داده نمی شوید،

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾

پس آن (روح) را بازگردانید اگر راست می گوئید!

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾

(ولی) هرگاه او از مقربان باشد،

فَرْوَحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ ﴿١٩﴾

در رَوْح و ریحان و بهشت پر نعمت است.

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾

اما اگر از اصحاب یمین باشد،

فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾

(به او گفته می شود:) سلام بر تو از سوی اصحاب یمین (که از یاران تواند).

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾

اما اگراو از تکذیب کنندگان گمراه باشد،

فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾

با آب سوزان دوزخ پذیرایی می شود

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾

و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است؛

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾

به یقین حق و یقین این است.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن
(و او را منزّه بشمار).

سورہ مبارکہ

سورہ مبارکہ حَدِيد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾

آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند؛ و او توانا و حکیم است.

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن
اوست؛ زنده می کند و می میراند؛
و او بر هر چیز تواناست.

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ
وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

اوست اوّل و آخر و پیدا و پنهان ؛
و او به هر چیز داناست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ
اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر عرش
قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت)؛ آنچه را در زمین داخل می شود می داند،



وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ
هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾

و آنچه را از آن خارج می شود و آنچه از آسمان نازل می گردد و آنچه به آسمان بالا می رود؛ و هر جا باشید او با شماست، و خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست.

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست؛ و همه امور به سوی او بازگردانده می
شود.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾

شب را در روز داخل می کند و روز را در شب؛ و او به آنچه در درون سینه ها وجود دارد
دانا است.

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ
مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ
أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾

به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن
قرارداده انفاق کنید؛ (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی
دارند.

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ
لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾

چرا به خدا ایمان نمی آورید در حالی که پیامبر شما را می خواند که به پروردگارتان
ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد)، اگر اهل
ایمان آوردن هستید؟!

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾

او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش نازل می کند تا شما را از تاریکیها به سوی نور خارج کند؛ و خداوند نسبت به شما رؤوف و مهربان است.



وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ
قَبْلِ الْفَتْحِ

چرا در راه خدا انفاق نمی کنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست
(و کسی چیزی را با خود نمی برد)؟! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند
(با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛

وَقَاتِلْ أَوْلِيَّكَ أَكْثَرُ دَرَجَةٍ مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ
وَقَاتِلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ ﴿١٠﴾

آنها والا مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جنگ کردند؛ و خداوند
به هر دو وعده نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است!

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ

(این پاداش) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می نگری که نورشان پیشِ رو و
در سمتِ راستشان بسرعت حرکت می کند (وبه آنها می گویند:)

بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

بشارت باد بر شما امروز به باغهای بهشتی که نهرها از پای درختان آن جاری است؛
جاودانه در آن خواهید ماند. و این همان رستگاری بزرگ است.

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا
انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ

همان روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم.»

قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم
 بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ
 الْعَذَابُ ﴿١٣﴾

به آنها گفته می شود: «به پشت سر خود بازگردید و نوری به دست آورید.» در این
 هنگام دیواری میان آنها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و از طرف
 برونش عذاب.



يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ
فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ
حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾

آنها بهشتیان را صدا می زنند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» می گویند: «آری، ولی شما خود را به گمراهی افکندید و انتظار (نابودی حق را) کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد.

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

پس امروز نه از شما فدیة ای پذیرفته می شود، و نه از کافران؛ و جایگاهتان آتش
است و همان شایسته شماست؛ و چه بد سرانجامی است!



أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ
مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ
عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦﴾

آیا وقت آن نرسیده است که دلهای کسانی که ایمان آورده اند، در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع گردد و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان (بر اثر فراموشکاری) قساوت یافت؛ و بسیاری از آنها گنهکارند؟!

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند. ما آیات (خود) را برای شما بیان
کردیم، شاید بیاندیشید.

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا
حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

مردان و زنان انفاق کننده، و آنها که (از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند،
(پاداششان) برای آنان مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾

کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند، آنها صدیقان و شاهدان نزد پروردگارشانند؛ برای آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ایمان) شان؛ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها اهل دوزخ.

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ
بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ
أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما
و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در
شگفتی و سرور فرو می برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد رنگ می
بینی؛



ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ
اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾

سپس تبدیل به کاه می شود. (آری دنیا نیز به همین سرعت می گذرد) و در آخرت،
عذاب شدید است یا آمرزش و رضای الهی؛
و زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.



سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ
فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾

به پیش تازید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه
آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آورده اند؛ آماده شده
است، این فضل خداوند است که به هرکس بخواهد می دهد؛ و خداوند دارای فضل
عظیم است.



مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي
كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾

هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد مگر این که همه آنها قبل از آن که زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است.

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ
لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾

این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد.

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

همان کسانی که بخل مدورزند و مردم را به بخل دعوت می کنند؛ و هر کس (از این فرمان الهی) روی گردان شود، (به خود زیان می رساند، چرا که) خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوت و کتاب قرار دادیم؛ بعضی از آنها هدایت یافته اند و بسیاری از آنها گنهکارند.

وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ
لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ
عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾

و آهن را آفریدیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا مشخص شود
چه کسی خدا و پیامبران را یاری می کند بی آن که او را ببیند؛ خداوند توانا و
شکست ناپذیر است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا
النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ
فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾

ما نوح و ابراهيم را فرستاديم، و در دودمان آن دو نبوت و كتاب قرار داديم؛ بعضی از آنها
هدايت يافته اند و بسياری از آنها گنهكارند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
وَأَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ
رَحْمَةً

سپس در پی آنان پیامبران (دیگر) خود را فرستادیم، و به دنبال آنان عیسی بن مریم
را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل های کسانی که از او پیروی کردند
رافت و رحمت قرار دادیم؛



وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ
رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا
مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾

و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب
خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آنها که
ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنها گنهکارند.



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ
كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ
يَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید
تا بهره ای دو چندان از رحمتش به شما بدهد و برای شما نوری قرار دهد که با آن
(در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد؛ و خداوند
آمرزنده و مهربان است.



لَيْلًا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ
 مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ
 اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

تا اهل کتاب بدانند که قادر بر (به دست آوردن) چیزی از فضل خدا نیستند، و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است.

صدق الله العلي العظيم